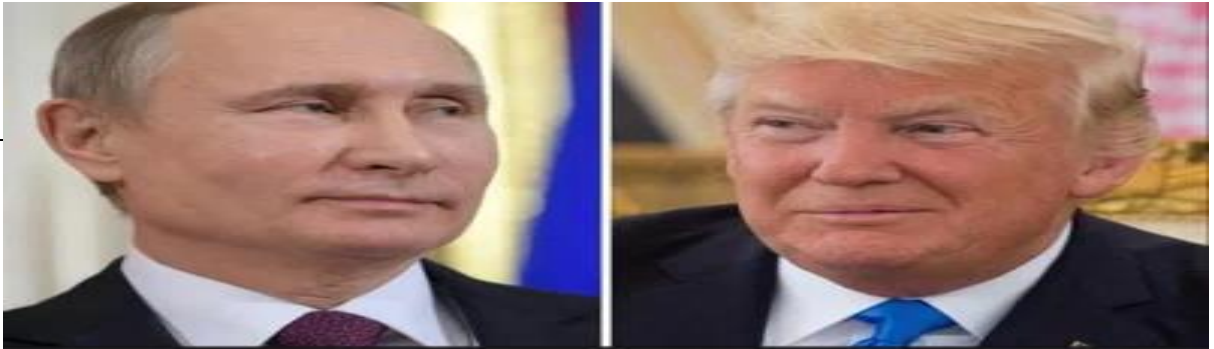


نویسنده: رینیپرسون «Renee Parson»
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2026-03-14».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»



ترامپ ایران را تهدید می‌کند: «اگر کار بدی انجام دهند»، تماس او با پوتین، ماده چهارم پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، جنایات جنگی

Trump Threatens Iran: “If They Do Anything Bad”, His Call to Putin, Article IV of the Nuclear Nonproliferation Treaty (NPT), War Crime

تلاش اخیر رئیس‌جمهور ترامپ برای اطمینان دادن به مردم آمریکا در مورد چگونگی پیشرفت جنگ علیه ایران، بر اساس ادعای رئیس‌جمهور مبنی بر پیروزی ایالات متحده در جنگ بود. رئیس‌جمهور با تکیه بر این ادعای بی‌اساس گفت: «من فکر می‌کنم جنگ تقریباً کامل شده است» و همچنین به آکسیوس گفت که «هر زمان که بخواهم تمام شود، تمام خواهد شد».

رئیس جمهور که از باشگاه گلف خود در دورال فلوریدا صحبت می‌کرد، افزود: «اگر آنها کار بدی انجام دهند، پایان ایران خواهد بود و دیگر هرگز نامی از آن نخواهید شنید» و این گمانه‌زنی‌ها را برانگیخت که ایالات متحده آماده است تا واکنش نظامی خود را به طرز چشمگیری تشدید کند.

در هماهنگی نزدیک با نخست وزیر اسرائیل، نتانیا هو، ادعاهای اولیه مبنی بر اینکه ایران در وضعیتضعیفی قرار دارد، محقق نشده است. تقریباً دو هفته پس از شروع درگیری، با نزدیک شدن به انتخابات میان‌دوره‌ای، وضعیت سیاسی آسیب پذیر رئیس جمهور در بحبوحه کاهش محبوبیت، نمی‌تواند از این واقعیت متزلزل که جنگ طبق پیش‌بینی‌ها رخ نداده است، اجتناب کند.

در پاسخ به این ناامیدی، ایالات متحده یک کمپین بمباران فرشی بی هدف را در سراسر تهران، پایتخت خود با ده میلیون نفر جمعیت، آغاز کرده است. این بمباران‌ها شامل حملات مستقیم به جمعیت غیرنظامی، مدارس، بیمارستان‌ها، ساختمان‌های مسکونی و سایر زیرساخت‌های غیرجنگی است. همه اینها طبق کنوانسیون‌های ژنو و قوانین نورنبرگ نقض جنایت جنگی محسوب می‌شوند. در نتیجه ترور هدمند آیت‌الله، تیم ترامپ-نتانیا هو انتظار داشتند که ایران به دلیل فقدان رهبری تسلیم شود، اما آن روزهای اولیه بدون هیچ نشانه‌ای از فروپاشی ایران گذشت و از پاسخ پر سر و صدای ایران مبهوت شدند.

این جنگ آن موفقیت سریع و باشکوهی که به ترامپ القا شده بود، در حالی که او برای یافتن راه خروج تلاش می‌کند، نبود.

تقریباً بلافاصله پس از شروع بمباران‌ها در 28 فوریه، مدرسه ابتدایی شجره طیبه مورد حمله قرار گرفت و 165 دختر جوان (6 تا 10 ساله) و دوازده معلم کشته شدند. گزارش شد که اکثر دانش‌آموزان، دختران افسران نظامی ایران بودند. ترامپ احمقانه ادعا کرد که ایران دانش‌آموزان خود را کشته است، بدون هیچ توضیحی در مورد اینکه چگونه ایران به موشک لازم دست یافته یا چگونه ضربه دوم به امدادگران وارد شده است. وقتی تصاویر ماهواره‌ای تایید کرد که موشک تاماهاک آمریکایی عامل این حادثه بوده است، رئیس جمهور ترامپ ادعا کرد که موشک تاماهاک در اختیار ایران بوده است، اگرچه مشخص است که تنها چهار کشور (بریتانیا، آمریکا، استرالیا و ژاپن) موشک تاماهاک خریداری کرده‌اند و ایران هیچ موشک تاماهاک ندارد.

همچنین گزارش شد که یک وسیله آتش‌زا در محل حادثه منفجر شده و جهنمی در میان دانش‌آموزان ایجاد کرده است. حمله به شارجاره و همچنین بمباران فرشی به وضوح به عنوان جنایات جنگی قابل پیگرد قانونی شناخته می‌شود.

همانطور که برخی رسانه‌ها شروع به گزارش شکست آمریکا در جنگ کردند، جای تعجب نبود که ترامپ احتمالاً برای مشاوره در مورد کاهش تنش با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، تماس گرفت، اگرچه ماهیت دقیق مکالمه یک ساعته آنها هنوز مشخص نشده است.

دو روز پس از تماس تلفنی پوتین و ترامپ، پوتین با الهام علی‌اف، رئیس جمهور آذربایجان، دیدار کرد که در آن هر دو از پایان خصومت‌ها حمایت کردند. رهبر روسیه سپس با محمد بن زاید آل نهیان، رئیس جمهور امارات، گفتگویی تلفنی داشت که در آن هر دو ابراز نگرانی کردند که اوضاع در خلیج فارس «به سرعت رو به وخامت» است.

رهبر روسیه «بر لزوم جلوگیری از تشدید بیشتر درگیری و حل آن از طریق گفتگو تأکید کرد.» پوتین از علی‌اف به خاطر کمک به تخلیه شهروندان روسی از ایران تشکر کرد و از امارات متحده عربی به خاطر کمکش به شهروندان روسی تشکر کرد.

تقریباً بلافاصله، به دلیل سابقه‌ای که در آنجا وجود دارد - عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، مذاکرات بیشتر را با استناد به اینکه ایران «تجربه بسیار تلخی از گفتگو با آمریکایی‌ها» داشته است، رد کرد. حداقل دو بار، ایالات متحده از مذاکرات به عنوان یک ظاهر سازی برای متوقف کردن تلاش‌های صلح «استفاده» کرده بود، در حالی که ایالات متحده و اسرائیل حملات جدیدی را تحریک می‌کردند.

شاید باور این که «تیم رویایی» مذاکره‌کننده ترامپ شامل دامادش جارد کوشنر و استیو ویتکوف، دوست صمیمی اش در نیویورک، باشد، غیرممکن باشد، که هر دو صهیونیست‌هایی با پیشینه املاک و مستغلات و روابط فعال با اسرائیل هستند. هیچ‌کدام هیچ تجربه‌ای در دیپلماسی یا آشنایی با پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) نداشتند.

حتی قبل از اینکه این درگیری به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شود، وقتی مشخص شد که ترامپ مایل به «مذاکره» با ایرانی‌ها است، رئیس‌جمهور مرتباً هدف خود را تغییر می‌داد - اینکه آیا مذاکرات باید بر استفاده ایران از انرژی هسته‌ای یا غنی‌سازی اورانیوم متمرکز باشد یا تهدید موشک‌های بالستیک یا شاید صرفاً «تغییر رژیم» باشد، گویی ایالات متحده حق دارد در مورد «رژیم» هر کشور دیگری تصمیم بگیرد.

بررسی دقیق روند مذاکرات نشان می‌دهد که وقتی نمایندگان ایالات متحده و ایران در تلاش برای یافتن زمینه‌های مشترک و حل اختلافات خود با یکدیگر ملاقات کردند، «مذاکرات» به سرعت به چیزی بیش از یک فرآیند کسل‌کننده تبدیل شد که تنها تر سیاسی ایجاد می‌کرد تا تصویر رئیس‌جمهور ترامپ از تلاش ادعایی‌اش برای صلح را تقویت کند.

اگر ترامپ دیپلمات‌های حرفه‌ای با تجربه در زمینه مسائل سطح بالای جنگ و صلح یا مسائل حساس سیاسی را منصوب می‌کرد، و همچنین رویکردی روشن‌فکرانه که واقعاً به دنبال صلح بود، مفید می‌بود، مذاکرات می‌توانست ثمربخش باشد

در آن زمان، «توافق در دسترس ما بود و ما ژنرال را با این درک که می‌توانیم دفعه بعد که ملاقات می‌کنیم به توافق برسیم، با خوشحالی ترک کردیم.» عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، با این پیش‌بینی که ایران «بر بحث‌هایی تمرکز خواهد کرد که غنی‌سازی در داخل ایران را می‌پذیرد و در عین حال اعتماد ایجاد می‌کند که غنی‌سازی برای اهداف صلح‌آمیز است و خواهد ماند.»

با این حال، این سوال مطرح شد که اگر رئیس جمهور نتوانسته بود بر اساس یک مبنای واحد برای جنگ با ایران به توافق برسد، اگر درک واقعی از ماهیت مذاکره آنها وجود نداشت، مذاکره‌کنندگان چه چیزی را باید مذاکره می‌کردند. در تحلیل نهایی، تفاوت‌چندانی ایجاد نمی‌کند زیرا هیچ هدف واقعی مشخصی وجود نداشت که بتواند از حملات جلوگیری کند.

حملات همیشه در دستور کار بودند؛ مذاکرات قرار بود آمریکایی‌های ساده‌لوح را تحت تأثیر قرار دهد که تلاش جدی برای جلوگیری از حمله وجود دارد و ایالات متحده تمام تلاش خود را کرده است، اما ظاهراً تقصیر آن ایرانیان لعنتی است که همکاری نمی‌کنند.

ویتکوف پس از اولین جلسه «مذاکره» خود، با لحنی ناباورانه گزارش داد که ایران اعلام کرده است که «حق مسلم غنی‌سازی تمام سوخت هسته‌ای خود را دارد. اینگونه بود که آنها [ایران] شروع به مذاکره کردند.» ویتکوف شکایت کرد.

البته ما پاسخ دادیم که رئیس‌جمهور احساس می‌کند ما حق مسلم داریم که شما را در حالی که در حال دویدن هستید، متوقف کنیم. ویتکوف ادامه داد: «این به ما نشان داد که آنها در همان لحظه هیچ تصویری از انجام کاری جز حفظ غنی‌سازی به منظور تسلیحاتی کردن ندارند.»

ویتکوف به وضوح از استفاده ایران از عبارت «حق مسلم» رنجیده بود. ویتکوف به عنوان یک میانجی ناآگاه، متوجه نشده بود که ایرانی‌ها کاملاً در ادعای خود درست می‌گویند. ایرانی‌ها واقعاً «حق مسلم» داشتند، همانطور که

در ماده چهارم NPT آمده است. با این حال، تیم ویتکوف- کوشنر بدون هیچ اطلاعی از NPT یا وجود ماده چهارم، دیدگاه خصمانه ای را حفظ کردند، اما کاملاً حق با ایرانی‌ها بود و ماده چهارم کاملاً واضح و مشخص بود.

پس از این ماجرا، بدر البلوسیدی، وزیر امور خارجه عمان که به عنوان میانجی در مذاکرات شرکت داشت، در برنامه *Face the Nation* تکرار کرد که «ایران موافقت کرده است که «هرگز، هرگز» مواد هسته‌ای برای ساخت بمب نخواهد داشت. ایران با تأیید کامل و جامع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موافقت کرد».

چند ساعت قبل از اینکه رئیس‌جمهور ترامپ تصمیم خود را برای بمباران ایران اعلام کند، البلوسیدی به طور علنی به مردم آمریکا اطلاع داد که «توافق صلح در دسترس ماست». در آن زمان، ترامپ قصد جنگ داشت. در عوض، اگر مذاکره‌کنندگان دست‌چین‌شده‌ی ترامپ با اشاره‌ی ماده‌ی چهارم به حقی غیرقابل انکار که در NPT مشخص شده است، آشنا بودند، اگر ویتکاف و کوشنر درک بهتری از نقش خود به عنوان مذاکره‌کننده داشتند، و درک بهتری از آنچه ایرانی‌ها سعی داشتند در مورد الزامات NPT و اجازه‌ی آن برای بازفرآوری اورانیوم برای اهداف صلح‌آمیز منتقل کنند، داشتند، ممکن بود از این درگیری مرگبار فاجعه‌بار جلوگیری شود.

ماده‌ی چهارم NPT بیان می‌کند: «هیچ چیز در این پیمان نباید به گونه‌ای تفسیر شود که بر حق غیرقابل انکار همه‌ی طرف‌ها برای توسعه‌ی تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز بدون تبعیض تأثیر بگذارد» و علاوه بر این «همه‌ی طرف‌ها حق دارند در کامل‌ترین تبادل ممکن تجهیزات، مواد و اطلاعات علمی و فناوری برای استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای شرکت کنند.»

ماده‌ی چهارم همچنین انتقال فناوری و مواد هسته‌ای به اعضای NPT را برای اهداف صلح‌آمیز در توسعه‌ی برنامه‌های انرژی هسته‌ای غیرنظامی، منوط به پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای نشان دادن اینکه برنامه‌های هسته‌ای آنها برای توسعه‌ی سلاح‌های هسته‌ای استفاده نمی‌شود، فراهم می‌کند. به طور خاص، ماده چهارم NPT حق همه طرف‌ها را برای توسعه انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز به رسمیت می‌شناسد و همچنین غنی‌سازی اورانیوم را برای مقاصد صلح‌آمیز مجاز می‌داند.

در سال ۱۹۶۸، ایران و اسرائیل هر دو عضو NPT بودند، زیرا ایران همیشه با بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موافق بوده است.

در ابتدا، اسرائیل در سال ۱۹۶۸ به صورت تئوری با پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای موافقت کرد، اما هرگز NPT را به صورت تصویب‌شده امضا یا تصویب نکرد. اسرائیل همچنان تنها کشور در خاورمیانه است که سلاح هسته‌ای دارد و از پایبندی به بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خودداری می‌کند.

اسرائیل دهه‌هاست که وجود نیروگاه هسته‌ای دیمونا را انکار می‌کند، تنها عضو سازمان ملل است که عضو NPT نیست، زیرا عضو کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی یا کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی نیز نیست و هرگز در منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی شرکت نکرده است.

تاکر کارلسون، روزنامه‌نگار آمریکایی، گفت: "اگر ایالات متحده از پذیرش هرگونه مسئولیتی در قبال بمباران یک مدرسه ابتدایی ایرانی خودداری کند، ایالات متحده ارزش جنگیدن ندارد" و تحقیقات باید مشخص کند که آیا بمباران مدرسه یک اشتباه غم‌انگیز بوده است یا خیر."

طعنه‌آمیز اینکه، ظرف چند روز پس از حمله به مدرسه ابتدایی، ملانیا ترامپ، بانوی اول ایالات متحده، ریاست جلسه امنیتی سازمان ملل با عنوان "کودکان در درگیری" را بر عهده داشت.*

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

رنه پارسونز یک مقام دولتی منتخب در کلرادو، یک لابیست محیط زیستی با سازمان «دوستان زمین» و یک عضو هیئت مدیره مجلس نمایندگان ایالات متحده در واشنگتن دی سی بوده است. پیش از انحلال این سازمان، او همچنین عضو هیئت مدیره ایالت فلوریدا در اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا (ACLU) و رئیس شعبه ساحل گنج این اتحادیه بود. او به طور منظم در نشریه «تحقیقات جهانی» (Global Research) مطلب می‌نویسد.

----- **با احترام** (26 20-03-17)

.....